

حقیقت

شماره ۱۳۸ - ۲۹ مهر ۱۳۶۰

برای وحدت اصولی

(دشمنانه از شماره پیشین)

۳

مادر دشمنانه، پیشین نشریه، "حقیقت" برخی نکات در مورد
میتاق آقای بنی مدرنوشتیم، در این شماره نیز بطور اجمال سه
برخی نکات دیگر اشاره میکنیم و بحث را عملاً به پایان میرسیم.

آقای بنی مدرنوشتی یکی دیگر از اصولی را که پایبند
در صفحه ۳

سرنوشت جبهه‌های جنگ به چه بستگی دارد؟

امروز این کلام بسیار
مانده از روزنامه‌نگاران
سبب جبهی انقلاب فرانسه، که
سای دفاع از مین قبلا زهر
جیرا بدتکلف خاستکاران
داخلی را بکمره کرد و نقل به
معنی، برای ما کاملاً معتاد
پیدا کرده است. امروز کشور ما
همچنان در یک محاصره
امپریالیستی و ارتجاعی
است. جنگ نوازگان آنست
سنی ها و همدستانان همچنان
ادامه دارد. از این لحاظ وطن
همچنان در خطر است. لیکن
امروز وطن بیش از هر زمان و
قبل از هر چیز از داخل و از
جانب آن خاستکارانی که از
حد و کودتا بر مستند قدرت
نشسته کشتار آزادی و زد و بند
با دشمنان وطن مشغولند در

خطر میباد. خمینی به انقلاب
و مدح جنگ سمعان عمل تدابری
انقلاب در برابرتها جسم
مرتجعانه، خارجی هردو خیانت
کرده است و سازمان تبلیغات
روای او و دارو دستهای اش
در باره، با مطلع دفاع از مین
همانند با برخوا مغریبی ها -
پتان دروغ و سیرنگ است.
زیرا مسئله، کودتاگران اعلام،
که در این روزها و هفته‌ها روی
پادشاهان خونخوار گذشته را
سند کرده اند، به پیرو پیروزی
ترانمنندانه در این جنگ
تحمیلی نموده بلکه پیروزی بر
قوای آزادی و تومسودر
نابودی کلیه، آثار انقلاب در
کشور ما میباید.
خمینی و دارو دستهای
کودتاگر زیر فرمان او از هر

لحاظ آماده و مشتاقند که بخاطر
حفظ حاکمیت بیوتالی خودشان
بر مردم همه، نوامیس ملی و
کلیه، مقاصد که جوانان این
کشور در راه آنها خون ریخته اند
خیانت کند و خیانت کرده و
سکندند. آنها برای نجات
خویش از افراد ناگوار نسبی و
شدیدی که در داخل کشور بدان
دچارنده اند برای مقابله با
آلواح شوفا سازی مخالفست
عمومی مردم خالصند با سر -
قدرتها و ارتجاع منطقه و از
جمله ما برافروزدگان آتش
جنگ کنوسی یعنی رژیم
نجا و زکارست و اربابانش
کنار سایر پندوتن به هرگونه
بستی و ننگ بدهند و میدهند، و
تاکنون بارها دست دوستی خود
را سوی این دشمنان کشور

در از کرده اند.
امروز در خطر جسمی و
صنفاً ران شهبازش تنها
دشمنی واقعی، ملت قهرمان
ایرانست و از اینرو همه دشمنان
این ملت، اگر حاضر به کنار
آمدن با ایشان نباشند، نمیتوان
شدید دوست آنها ندیدل شوند.
قبول طرح سازش با رژیم عراق
سیهانه، با مصلاح وحدت کشور -
های اسلامی علیه مینیم ار
سوی خمینی، که امروز در برنده
دودی از جوار و جنجال های محک
در باره، فتوحات دروغین جنگی
در حبه های جنوب زمین چینی
مشود، واقعبینی اخفاء ناپذیر
است. زیرا ما میدانیم و همه هم
میتوانند از روی کردارهای
واقعی آنها در میدان های جنگ
در صفحه ۲

بیاد رفیق شهید تیمورتاش گویسانی

(تاریخ شهادت ۶/۴/۸ - بیمارستان شیراز ۱۹ ساله)

نیال آزادی و استقلال خون میخواستند تا ترک و تنومند
کرد و این تاوان را با بدکه انقلابیون و توده های ایثارگر و
رحمتکش بپردازند چرا که تنها جاره نجات آنها و تنها راه رسیدن
به معنوی این کلمات مقدس یعنی آزادی و استقلال جو بیسار
خون زحمتکشان و ستمدگان است. راهی سرخ و پرفرازونشیت
و پرازگرگهای درنده و تیز دندان ارتجاع و امپریالیسم.
ستمدین داخلی در به سده کشیدن آزادی ها و قتل عام انقلابیون
و استقرار حاکمیت ضد مردمی و خودکامه و وابسته مردم حلقه های
رتسرها را برای زحمتکشان سنگ نرمیکسود دشمنان خارجی نیز
تحت دسایس امپریالیسم و اادی آن در منطقه عمدتاً کثور و
در صفحه ۲

اخبار و اسرار کشور

شهید

■ خانواده ای در "طلاب" عروسی داشته اند. عقب روانت مینشینند.
با سزاران ایست میدهند و راننده نمیشود. تیراندازی میکنند.
مادر را زنده کشته میشود، راننده شروع به فحش دادن به خمینی
میکند، او را دستگیر کرده و صبح فردا پیش اعدام میکنند (۲۰ تیر)
■ در ساعت ۱۰/۵ شب ۳۵ تیر ما در میدان سوم "فد" دو نفر موتور
سوار با یک مسلسل به ستاد انتخاباتی مستقر در این میدان که در
طبقه، دوم یک ساختمان مشعلق به یک حاجی حزب الهی قسرار
داشته شلیک میکنند و با رگبار مسلسل تمام نشسته های آن را می -
شکنند و سدهم محل را ترک میکنند. مدتی پس از این واقعه تمامی
افراد ای که در ستاد بوده اند هر کدام در نیال سوراخی برای قاپسم
شدن بودند و بعد از "مع غر" ستاد را خراب کردند و آستانه هم لافا طله
در محل حاضر میشوند تا آن دو سوراخ بگیرند !!!
در صفحه ۶

بقیه از صفحه اول
سرنوشت

و مقامه آنان را گرفتارهای
... برسانه و ساختگی آنها بی
سرنکه که مرد فاع در جنوب و
... کنور تا ما مان حددا
... شده و سیاحتی که صدای
... های "جسد" حینسی
... مردم و در وقت به گسوش
... در زمانها و در مقام
... شهرهای ایران
... است که اینت خود در
... و غیر کشورنا حندی
... میباشند و برده بد کرات
... کرمی حرمان دارد و نرسه
... جو به موسودن آنکه حنی
... گزوله تللیک بودا مطلاج
... میگرد و چگونبه در حالیکه
... حبه ی اهواز و آسانان
... ای کلوله با مطلاج لشکران
... مد است جا مرشی گرفته
... در داخل شهرهای نامبرده هر
... اند شده میشود. اگر
... های تیپکاری برای مارش
... و مامله سرسراک و طسرد از
... بی جگوه یا سدا ران را
... گروه گروه از حبه های جنگ
... سرور میکنند و جان مردم و
... فتنسون ما اندازند. آنگاه
... می فید این ظل سو حالی که
... زکی دوما دینس با بنظر ف
... رای لشکر کتی بقدر و اتحاد
... من ملل سلمان علی
... اسرا نبل سوا حنه میشود. آنهم
... فنی که صدای که شعراش آن
... ما حرسک حرسک تخلیه
... محبوه های جنگی اسرا شیلی
... هوا پمای آرژانتینی در شهران
... در هم است و رسواشی بزرگی
... برای اسلام گذاری حینسی و
... همستایش سارا آورد. در سر
... بهانه ای برای کما آمدن بر

سرجنگ با عراق مسلمان
نیست؟
چارچوبان حکومت خمینی
و اعلامیه های ستاد مشترک
کذابی داشما از پیشروی در
جبهه های جنگ دم میزنند و
مشتی نما و بر ما ختگی در باره
فتوحات خویش بر پر کرده
تلویزیون سنا بی میگذارند
ولی معلوم نیست پس چرا خود
سرباران و پساداران حاضر در
جبهه ها از این پیشروی ها و
صو حات هر روز بهی بر نند.
آری میگویند پیشروی میشود
ولی نه! سگری خودی بسند
سگری از دشمن در مقابلشان
بلکه از سگری خودی به سسگر
خودی دیگری در بغضشان
یعنی هر چند وقت یکبار
"حود الله" را برای رنج
کمالت و تلاف وقت از بسک
سگری سگری دیگری که بس
موازات آر کنده اند میبرند و
بعد میگویند پیشروی کردیم.
چنین کلانی بزرگی را هیچ
کس ناقیل از حکومت الهی
حینی نکرده بود. اما آن روز
که سورچمان سا زگاه الهی که
سنا جنگ با کفر و الحاد خلی
هر گونه بی شرافتی، بی ما موسی
حیایت و وطن فروشی را بر خود
مباح میکنند. ما دشمن خارجی
کنار آمده سرسراک کشور
مامله کردند ملل اینگونه
کلانی ها چون روز روش سر
حتکان روش خوا هدگشت. اگر
بهلت سنا سنا!

آنهاش که بخش عمده ای
از شورت غار شده. ملت ما را
در قضا به دروگانهای آمریکا -
شی به "شطان بزرگ" بخشیدند
از بخشیدن بختی از آب و خاک
اشغال شده. این ملت بس
شیاطین کوچک منافعه نخواهند
کرد. از این شروت که امروز
نجات همه آن مفا صد شریفی
که تا کسبون خون عزیزان
سباری در راه آنها ریخته شده،
ارجله مقتد حنگ تدافعی ملت
ما در گرو معوونا بودی حکومت
رذل و خاش خمینی و همدستان

برای وحدت اصولی

بنیان پیشرفت و تعالی جامعه است، آزادی بیان دانسته اند.
اینان بدرستی بر آزادی بیان، مطبوعات، عقیده، انتقاد،
احزاب، آزادی زنان، بنوعی آزادی ملیت ها در چارچوب ایران
مستقل و یکپارچه (در محدوده ای استقلال و سنا مبت و یکپارچگی
ارشی کشور با بدنه، اقوام از حقوق برابر برخوردار گردند و اداره
ملی بر اساس بنیاد شورا با خودشان باشد - ميثاق) ... تا کسد
گذارده اند و این آزادیها را جز حقوق اساسی احاد ملت بر سر نه
اند. ما خا اینهای قضیه ما آقای سنی بدر هیچگونه اختلافی نداریم
و به همراه ایشان معتقدیم که در تحت حکومت جمهوری اسلامی، بسیاری
از آزادیهای بالا که حقوق مسلم ملت و از اساس بی چون و چرای
ترقی و تعالی کشور در این مرحله تاریخی از انقلاب هستند،
لگد مال گردیدند. معمارت دیگر انقلاب هور بر براری کامل اس
آزادیها را در دستور کار خود در ادوا ایده آن جامعه عمل بیوشا سنا.
ولی فقط اعلام این آزادیها و حقوق، نوشتن آنها در خاشی
مثلا در قانون اساسی (و بس سنا سنا کردن آنها ضح دردی از
دردهای این ملت محروم و اسر را دوا نخواهد کرد. ما در طون هتساد
سال پس از انقلاب مشروطیت و سنا کارش قانون اساسی این انقلاب
که در بسیاری موارد آزادیهای ما را ترمیح کرده بود، تا حدیوسم
که سبیح مک ارمواد مصرحه در آن قانون عمل بشود و مردم بهیچوجه از
آزادی بهره ای نبرند (بجز در دوران های کواهی که حنبسش
نوده ای مردم در حال غن و اعتلا بود). هم چنین ما همین قانون
اساسی جمهوری اسلامی را در پیش رود اریه که در بسیاری از همیس
حقوق ترمیح دارند اگر چه ما چمدین "اگر" و "اما" و محدودیت
ولی ما زهم خبری از آزادی و حقوق مسلم مردم در عمل و در عیسیت
نست. نه روزنامه ای مخالف حق چاپ و انتشار دارد، نه عقیده ای
مخالف (چه اسلامی، چه غیر اسلامی و غیر مذهبی) حق حیات دارد، نه
زماشی جرئت گردش در دهان دارد و نه ... بی سخن بر سر ترمیح
اسن آزادیهای حقه مردم در نوشته ای سنا قانون اساسی و اعلام
صوری آن نباشد باشد. شوالوشکل در جای دیگری بیفته است.
سنا سنا است که چگونه استوار این آزادیها را بصورت عیسی و

عینی در جامعه تعیین میکنیم؟
ملت ایران چه تصمیمی دارد که دوباره ما سنا دوران انقلاب
مشروطه محمد علی شاه بی نخبید در مجلس راه توپ سنا و سنا -
بندگان واقعی ملت را در سنا حقه کند؟ چه تصمیمی دارد که
سیدضیا و رفاه خان قدری از اربابان انگلیسی شان دستور
سنگیرد و سر عه انقلاب و آزادی حیا مومن سنا سنا اندازند
در واقع چنین تصمیمی موجود نیست! انقلابیور سنا سنا
تخمین میدهد که گروه های سلطنت طلب - آری با او ویسی و
بالبرمان تا بخشار و شرکا، گروه های ارتجاعی ارمده سی و
فتعاشی ها تا همالشی هایان در ارتش و خارج از ارتش اسلامی
همگی سر سر سنا بر علیه انقلاب و آزادی سنا سنا و آن را

بقیه در صفحه ۳
ش و مرکوب کلیه اثر ارحامی
این حکومت است. سنا سنا
انقلاب و کشور در کلیه ایسا
داخلی و خارجش همه امروز در
گرو برقراری یک حاکمیت
انقلابی واقعی و یک پاکسازی
هوشمن داخلی از غبانتکاران
داخلی و ایسا از گور بر خاشیه
طایفه محوس تحراست - کسه
خمینی به درستی خود را سنا
سر دودمان خونخوارشان
(یعنی آغا محمدخان) منایسه
کرد!
والسلام!

نیست، هر قدر هم خوب و منطقی و درست باشد، در مقابل ما حتی که
بر قدرت مسلح متکی است، فقط قدرت مسلح حق پیروزی و ناکست
ولاغیر... قدرت فقط از دهانه توپ بیرون میآید.

بهما نگونه که ارتجاع با قدرت مسلح خود در دل مردم ترور و
وخت از حکومت خود می دواند، بهمان ترتیب انقلاب ما باید با قدرت
مسلح خود در دل ارتجاع ضربه خورده و ازاریکه، قدرت بزرگشده
شده ترور و وخت ایجاد نماید. اما این قدرت مسلح ما آن قدرت

کاملاً لگد مال سازند، انقلابیون به ملت تضمین میدهند که مدنی و
امثال مدنی همانگونه که در تابستان ۵۸ در غوزستان به نام اسلام
خون می ریخت و درست همان کارهایی را میکرد که مردم سدا را ن
جمهوری اسلامی امروزه اش می کنند (و در حقیقت اینها از روی دست
مدنی ها و آریبا ناها و نمیری ها رونویس کرده اند) متردم فرصت
هستند تا بنام "ملت" و "آزادی" (آری آزادی) قردا در ایسران
احاطه دهند. بیابراین با درج این آزادیها در قانون اساسی
هیچگونه تضمینی در مقابل دشمنان نسّم خورده، ملت و آزادی و

استقلال ایجاد نکرده ایم و نسکسیم.
ملت ایران چه تضمینی دارد که دوباره بهمانند انقلاب
۲۲ سهم از میان آنهایی که در صفوف انقلاب بودند، خائنینی
سرخبرند و اهداف انقلاب و مردم را لگد مال نکنند؟ چه تضمینی
موجود است که ما زدا رودسته ای سمانند حزب جمهوری اسلامی پیدا
نشود و بر هر چه بوشی از رفی و آزادی و استقلال در خود دار پیشت
نکند و به ترور و قتل و کشتار و وطن فروشی روی بیاورد؟ واقعیت را
نگوئیم با زهم تضمینی موجود نیست! این پدیده، شوم، در تمامی
انقلابات رخ داده که حتی هائی که یا خود را در صفوف انقلاب جا زده
بودند و یا واقعا در صفوف انقلاب بودند (ولی از اقشار متزلزل و
مذبذب بودند) به اهداف انقلاب پشت کردند و آن را به قهقرا و
نستی کشادند و بر هر چه نوشته و گفته، انقلابی هم بوده است نقد
انداختند. بیابراین از نوشته و قول و قرار حرفی هم تضمینی برای
ملت و برای انقلاب بدست نمی آید!

در همین جا این نکته را بگوئیم که ما هم خواهان ارمیسان
برداشتن جنگ ها، قتل و کشتارها و ازسین بردن تمامی اسلحه ها
هستیم. ولی این یک ایده آل انقلابی است که نه امروز، بلکه در
آینده قابل تحقق است. ما در دنیای واقعی زندگی میکسیم، در
دنیایی که با بر قدرتها و مرتجعین، منطق شان منطق تفنگ و اسلحه
و زور است. در مقابل این منطق شکننده، بحث آزاد (که در میان

انقلابیون و نیروهای شرقی باید یکا برده شود و نه در دعسوا
میان ارتجاع و انقلاب اگاری نیست. ما امپریالیستها و مرتجعین
باید با منطق خودشان سخن گفت. موثقی که دنیا از لوث و حسود
امپریالیسم و ارتجاع پاک گشت. آنگاه دیگر احتیاجی به جنگ
به زندان، به اسلحه و اعمال قدرت مسلح نیست. فقط آموئیم
ولی تا آنجا ما راهی طوئنی در پیش داریم و ما بدیش از پیش سر
قدرت مسلح انقلاب بپلرزائیم.

آقای بنی صدر در "میثاق" اشاره به شورا کرده و میگوید:
"در اداره سیاسی جامعه یک اصل دیگر که رویه بود و متروک شد شورا
بود." و اضافه میکنند که این شوراها در مقابل "احتماد سردی و
گروهی دوام نیآورد و متروک شد". در این باره ما بد چند نکته ای
به اجمال بگوئیم.

منا سفا نه شورا حتی در آن دورانی که موجود بود، بمعنوا
یک "اصل" و یک "رویه" هیچگاه در نیآمد و از زوایای کوساگون
با آن به مخالفت برخاسته شد (حتی خود آقای بنی صدر زمانی با
آن به مخالفت بلند شد و ما بسیار خوشحالیم که امروز به این نتیجه
رسیده اند که اصل شورا ما بدست ما به، یک رویه در انقلاب جاری گردد)
همچنین با پدا اشاره کرد که شوراها، نه بمنابا، ارگان های
مشورتی بدون قدرت، بلکه بمنابا، لودا و رگانهای قدرت و تصمیم
گیرنده در تمامی سطوح (سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و.....)
با بد بصا ب آیند و ما ما نظام حکومتی بر اساس نظام شورا نشی
ریخته شود. زمانی هم که از شورا بمنابا، ارگان قدرت و تصمیم گیری
بقیه در صفحه ۴

تنها یک تضمین موجود است. فقط یک خلق مسلح قادر است
آزادی را تضمین کند. فقط با قدرت مسلح، ما زور میسوا و از
آزادی حفاظت کرده و اجازه نداده که بدست ابر قدرتها و ابادیشان
و بدست خائسین به انقلاب لگد کوب شود. تنها همین و بس! هیچ
تضمین دیگری موجود نیست.
ممکن است در اینجا ما با اعتقادات آقای سنی صدر مدنی بر
رد "زورمداری" در شمارش قرار گرفته باشیم، ولی چاره ای نیست و
تجارب تاریخی ما نشان میدهد که جز این راهی نیست. محمد علی
شاه با تکیه بر یک قدرت مسلح (قزاقهای روسی لساخوف) به آزادی
حمله سرد و فقط با قدرت مسلح آزادیخواهان فرار را برقرار ترجیح
داد. رضا خان با تکیه بر نیروهای مسلح قزاق سراریکه، دیکتا تو
ری بیست ساله اش نشست. محمد رضا شاه با تکیه بر ارتش به کودتای
۲۸ مرداد دست زد و حکومت ملی دکتر معدق را برانداخت و با گسترش
اسباب سرکوب مردم به حکومت ۲۵ ساله کودتا ادا به داد. حزب
جمهوری اسلامی هم با ترور و کشتار و زور رقیبان را از میدان بدر
کرد. خود آقای بنی صدر قربانی این واقعیت است. ارتجاع عیسون
با تکیه بر زور (که معنای بی جز قدرت مسلح ندارد) بر غم تمام بسیل
توده های مردم بر آنها حکومت میکنند، با تکیه بر قهر انقلابات را
در هم می شکنند. آنها با گسترش نیروی قهریه، خود در دل مردم هراس
و خست می افکنند و حکومت ترور و دیکتاتوری ایجاد میکنند. و در
مقابل زور باید زور را یکا بر برد. در مقابل قدرت مسلح، حرف کاری

بقیه از صفحه ۲
برای وحدت ...

باشند، ما هم کاملاً با آن موافق هستیم. بهما نگویند که معتقدیم که پیروان دین مسیح در ایران باید برای آزادی و استقلال ایران مبارزه کنند، همانطور که پیروان زرتشتیان و ... و به همان گونه ما رکبستها! ولی هیچگاه نمیگوئیم که مسیحیت و ابراهیت دوروی یک سکه واحدند.

استقلال (با "ابراهیت") یک خواست عمومی طبقات مترقی در جامعه ایران است، یک خواست عمومی همه نیروهای مترقی و انقلابی ایران است، بدون در نظر گرفتن اعتقادات ایدئولوژیک و مذهبیشان آنها در صورتیکه اسلام، یک اعتقاد دینی است، اگر چه اکثریت مردم ایران معتقد به اسلام هستند. هیچگاه نمی بایستی یک وقفه عمومی انقلاب را با مایل شخصی آحاد این انقلاب جمع زد و مخدوش ساخت. در غیر این صورت در تنگنا مل خود به سراهه کشیده خواهد گذشت و به افراط گاریهای امروزین (تحت لاسوای "مکتب") دچار خواهیم گشت.

اهداف انقلاب ایران بطور کلی عبارتند از استقلال و آزادی، در این اهداف مردم ایران، بیخوش زحمتگشان ایران، تریک هستند بدون توجه به اعتقادات ایدئولوژیک و مذهبی شان. پس یک کارگر مسیحی و یک کارگر مسلمان در مورد این اهداف عینی اختلافی نیست، و یک کارگر مسلمان هیچگونه برتری بر کارگر مسیحی در این مورد ندارد. بنا بر این انقلاب باید بر اساس اهدافی که در سال میگذشت مشخص شود و نه اعتقادات ایدئولوژیک و دینی شرکت کنندگان در آن. از این روستا معتقدیم که انقلاب مردم ایران مینابستی اعلام دارد که در جامعه ایران آزادی عمیده و آزادی مذاهب وجود دارد و دین مینابه، یک امر عمومی ابراهیت محسوب گردیده و قابل احترام است. در عین حال با بداند که بندگان دین از دولت جدا میباشند. از همین روستا که باید بطور قانون اساسی، نمایندگی فقط بعنوان برداشتن یک اصل ولایت فقیه از آن باشد، بلکه یک تحدید نظر نیسادی و کفیی در آن باید تصاحب آمد. دقیق تر گوئیم که قانون اساسی سوسی مابدیوسله مجلس مؤسسی که از طرف حکومت انقلابی موقت فرا خوانده میشود تدوین شود که بر اصول اساسی انقلاب بر مبنای اهداف انقلاب مبتنی باشد. آقای سنی صدر در "مبشاق" این نکات مهم و اساسی را مهم گذارده اند.

در مباحث نکات بسیار دیگر، که بسیار مهم و اساسی نیستند، در اینجا مباحثی مابده اند. بعنوان مثال روابط مائیکت در جامعه که ما در بخش دیگری در مورد سرمایه های امپریالیستی و وابسته مسئله، زمین برای دهقانان به احوال در مورد آنان سخن گفتیم. از همین گونه نکات مابده حقوق میلم کارگران ایران اشاره کرد. مسائل دمکراتیک طبقه کارگر، یعنی حق اعتصاب، ساعت کار و در صورت تدوین یک قانون گسبار دمکراتیک تحت نظارت خود کارگران و نمایندگان آنها مینابستی تا کند شود.

ما در همین جا بد بررسی احوالی خود در باره "مبشاق" با ما میدهم. این نکات همانطور که در ابتدا گفتیم نه برای نیشتر زدن بلکه برای روشن ساختن راه و حصول موفقیت و حفظ پیروزی اظهار شدند. این مباحث مطمئناً با این نوشته های کوتاه حل نخواهند گردید و محتاج بحث و مذاقه بیشتر هستند. ما عینی هستند که از یطن دردها و رنج ها و مشکلات مردم و انقلاب بر میخیزند و به ما دگی قابل حل نیستند. ما بتوبه خود در آینده بیشتر به این مباحث خواهیم پرداخت.

حق میگوئیم مبنای آنست که این ارگان ها دارای قدرت اعمال تصمیمات خود هستند. در مقیاس جامعه این امر بهیچ معنایی جز داشتن قدرت مسلح نمیتواند باشد. در غیر این صورت ثوراها بهمان مردوشی دچار خواهند شد که آقای سنی صدر در باره آنها گفته است. یعنی بی شمویی محتوی و بی فایده و سنا بر این متروک خواهند شد. چاره ای هم نیست.

آقای سنی صدر یک نکته را در "مبشاق" خود بی جواب نمانده است. و بطور معروض از آنرا آن گذشته اند و آن هم تکلیف حقیقی نظام است مینا بصیوری اسلامی. البته منظور ما آنجه که در واقع موجود است مینا شده آنجه که در آینده ها و اما ل و آرزوها سکن است و خود داشته باشد.

آنچه که در واقعیت ما مینا جمهوری اسلامی مینا سیم و ملت ما با حکومت و بیست و چون خود آن را المی میکند، از نقطه نظر قانون اساسی (مابشریکر شید حقوقی) عبارتست از حکومت نیشوا سان مذهبی (مادقیق بر پیشوا سان، پس اسلام، مذهب شیعه، حنفی) بر مبنای سکر خود در اصل مربوط به ولایت فقیه مینگسیر گردیده است. اس نظام حکومتی، یک نظام مینادی است. و اگر واضح بخواهیم صحبت کنیم حتی از منحنیت، معتقدیم سراهه دی س است. چرا که نه تنها مابمی قدرت تصمیم گیری، مابم قدرت اقتصادی و سیاسی را در یک مجمع میکند، بلکه مابان حسیه، نیشوا رنداشی نیز میدهد. اگر در گذشته سلطنت موهبت لاهی سوب و سلاطین مابه های جدا، اس یکی خود حکومت خداست و سلطان، مابینده خدا!!

ولی اس نظام حقوقی، اس حکومت پیشوا سان مذهب شیعه، در همین حد محدود مینا مابده. بلکه در واقعیت امر عبارتست از حکومت طبقات ارتخاتی در زیر سر برده دین. یعنی آنکه طبقات مخالف استقلال و آزادی به بهترین وجهی آردین برای اعمال سمدسوس نوع دمکراتوری اسناد، میکنند انقلاب مابینده تکلیف خود را با این نظام بطور قطعی روشن کند.

آقای سنی صدر روشنی مخالفت خود را با "ولایت فقیه" یعنی مل اساسی این نظام ابراز داده اند. اساس خود بسیار قابل سدر است. ولی مینا مینا ما محدود مینا گردید.

آقای سنی صدر در "مبشاق" تکلیف قطعی مابرا ما حکومت سنی، اس حکومت مذهبی روشن نکرده است. مثلاً میگویند که: "مکی رسول سنی که ... مورد قبول موبد آقای خمینی بودیست و رای مگد حساب آمدن اسلامیت و ابراهیت بود." "ابراهیت" گروازه دقیق و درستی باشد بهیچ معنایی حبت جز کوشش و مذهب مینا ایران برای استقلال ارتخا و زون و خود مصلطه امپریالیستی خارجی. اس بهترین مفهومی است که سراهه از آن مینابستی فهمیده شود.

"اسلام" یک دین است. اعتقاد به اسلام عبارتست از اعتقاد به خدا و خاورا الطیسه به گونه ای مشخص که وظایف مشخصی را برای پیغمبرین آن بوجود می آورد. ولی ما نمیدانیم که چگونه این دو با هم جمع زده میشوند و دوروی یک سکه حساب مینابند. اگر منظور این باشد که معتقدین به اسلام با تدفکر استقلال و آزادی انسان

بقیه از صفحه اول
بیاد رفیق شهید
تیمورتاش کویانی

تفتیش عقاید در عرصه جنگ و مقاومت، دسترسی به امکانات بیشتر و نزدیکی بهتر به جبهه های جنگ و حضور فعال در کنار رزمندگان ایرانی در بسیج ثبت نام کرد و تا شهادت در جبهه های اروندکنار، جزیره، مینو و جبهه های "قدن" و "ذوالفقاری" بسا مزدوران یعنی جنگیده و در عقب راندن آنها از خاک میهن عزیزمان و شکستن حلقه محاصره آبادان، این شهرو مقاومت و حماسه آفرینی فرزندان خلق، سهم بود.

رفیق تیمورنگامی کوا ز جبهه به منزل سکونتشان برای استراحت رفته بود و اما بابت ترکش خمپاره مزدوران ستمی قرار گرفت و از ناحیه ساق پای چپ و شکم زخمی شد و چند روز در بیمارستان طالقانی آبادان بستری گشت. سپس از آنجا به بیمارستان ممدق شیراز منتقل شد. در آنجا بخاطر... به میل شهدای راه استقلال و آزادی میهن پیوست و شهادت جو بسا آزادی و استقلال را رنگین تر ساخت. چرا که برای بارور شدن مجال آزادی و استقلال با غازی مسور و تجربه دیده لازم است که رهبرین کردن درختان هرزا استبداد و استعمار رنهرا و دخیخ آنان را بسا دستان پسته بسته خود بستند و در ریزدنا صدمه ای به آن نرسد و تنومند گردند و تیمور در بیچ و تاب راه تجربه برای انجام اس حدت به شهادت رسید. روانش تا دوران اش بر ملایت و خاطره اش جاودان. اتحادیه کمونیستهای ایران غمی عرص تسلیمت سخا طسیر فقدان این رفیق و تبریک به خانواده این رفیق عزیز برای پروازندن چنین انقلابی جویری و به همه یاران و همسنگران او و همچنین همه مردم قهرمان ایران، سوگند یاد میکنم که تا آخرین قطره خون برای رهائی میهن از دست اشغالگران ستمی و حامیان امپریالیستشان و مستبدین خونخوار داخلی و به پیروزی رساندن انقلاب ایران مجاهدت نماید.

درود به همه شهدای جنگ و انقلاب ایران
جاوید با دغا طره رفیق شهید تیمورتاش کویانی

غیرت کن و برخیز

احوال و نظامات وطن زبروز سرشد
وقت طرب و عیش نشد، وقت حشر شد
آن جرعه که نوشید وطن از لب کوشش
در جام خیانت، ز خود زهر کشش
اسباب خلافت جو بگتسرد حتمی
از قمر جماران سوی دیوان محو شد
آوج که دو صد ملت نمود مرگ بر این حزب
گزید و ولادت بی آتوب و سرور شد
کاسینه ای از دزد و حشیر سر هم کرد
کاسینه کهنه، مینر و یک طوله حرن شد
ارباب حرایدره ناها ن نگرفتند
هر آدم حق گوی ز گفتار حدر شد
مستند قبیهان زمی خون حواشان
مبنای خلافت عدم نوع بشر شد
در فکر بهاران منوای فرد و وطن دوست
با یاد خزان رنگ برو مع دگر شد
با این فقها از شرف و عیرض مکتور شد
کوش فقها بر تووا مثال تو کرد شد
هان ای همه یاران وفادار و وطن دوست
اینک که برخاستن و دفع ضرر شد
هیهات اگر دیر بر جنبید به فردا
چون مام وطن جان ز قشدرت و بدبختی
دندان به سر لب بگذارید و بخالید :
کآن وقت گرانمایه به بیبوده هدر شد
آمال دل مردم ما حکم قیام است
تا ریخ چنین گفت، چنین نیرت شد
هر تیر مسلسل که رود سوی قبیله
گوشنده های مادران نیک اثر شد
هر جوی به داری که شود عا قسرو نیرت
تنگین دل خسته و زجر خون بدر شد
گر عزت مردم طلبی، بوقت قیام است
غیرت کن و برخیز، کنون روز حشر شد

نکست انقلاب را دارند و جنگ تحمیلی عراق در به اشغال کشیدن بخشی از خاک عزیز کشورمان به تحریک و نقشه امپریالیسم جهانی و بخصوص امپریالیسم آمریکا عرصه جدیدی از مبارزه را بر روی انقلابیون و بخصوص کمونیستها گشوده و بسیاری از دایان و حامیان خلق میدان مبارزه را به بیانه انحصار طلبی های حرب خاکم و سپهرهای مترلزل شریک در قدرت ترک نموده دو به دین رسیده. نقش امپریالیسم آمریکا را در این جنگ و حمایتش از برای رانگی کردند. اتحادیه کمونیستهای ایران با رهنمودی درست و مارکسیستی ریشه این انحرافات را بیرون کشید و پیسه سهام اعفاء و هواداران شرکت فعال در جنگ تحمیلی و دفاع از میهن و انقلاب را به هر طریق ممکن تا کشید نمود. سراسر این تحیل صحیح، رفقا از نما م نقاط کشور تحت نظر تکنیکال و برای شرکت در جنگ تحمیلی رهبا ر حوزستان میگردیدند و فضای محلی به پیشوا ز آنها مشتاقانند. تیمور هم یکی از این رفقا بود که با شروع جنگ و با آن سی کم و تجربه اندک از مکتب انقلابی مال هیچگاه حاضر به ترک شهر نگردید و در کنار رفقای همزمش در کمک به مدمومین جنگ شرکت فعال داشت. رفیق تیمورتاش کویانی یکی از فرزندان رحمتکش و فخر دیده شهر آبادان بود که در محله فقیر نشین "سده" بدنیا آمد. همراه یک خواهر و برادرش چهره فقر و بنداری را چشیده بود و همین زندگی بد و روحیه ای پر خا شگرو و حشو گریخته بود. پدرش مسازره، سا ادویج مروشی داشت و مادرش سیزدربیمارستان امداد گران (شیر و خورشید سابق) کار میگردولی با ایر وجود از یک زندگی متوسط نیر محروم بود و به این واسطه تیمور فرزند فقر و کمبود سو و حا طره همین خصمه بیبندی تا کستنی با طبقه رحمتکش و زجر دیده داشت. عرصه که کمبودهای بسیاری در دوران طفولیت تا نوجوانی مانع ارتگرش صحیح و واقع بینانه تفکر و نسبت به مسائل جا مع بود. اما انقلاب ایران او را همچون هزاران نوجوان دیگر و در عرصه فعالیت و مبارزه نمود.

بر خورده و در سن ۱۸ سالگی با رفقای دانش آموز در "ستاد" و کارهای سیاسی دانش آموزی، سگرش اساسی و انقلابی بسه او بخشید و در کار محلات و تسلیفات استعداد های عملی خود را به نمه ظهور رسانید و با آموزش سیاسی و ترکیب عمل و تئوری و رشد نسبی و فکری از او انسانی صمم ساخته میشد. چرا که در هنگام جنگ آنوقت که خانواده اش همراه دیگر مردم جنگ زده آبادان را ترک میکردند حاضر به ترک شهر نگردید و در کنار رفقای تشکیلات در بر نامه های "ستاد مقاومت جنوب" که بسوسله رفقای مشول تهیه میکردند شرکت فعال داشت.

سرتس و روحیه انقلابی، چهره ای استثنائی به او در محله و بین رفقای بخشیده بود. آن هنگام که رفقا دسته دسته به خوشین شهر اعزام میشدند او از رفیق به خاطر تدا شتن تجربه نظامی معانت بعمل می آمدتک و تنها به خوشین شهر رفت و زیر باران خمپاره و خمسه خمسه مزدوران جملی تا معینا مع ، هرگز تیر و فاتی خودی پیش رفت. در نیمه اول آشنای رفیق به با طسیر رهنمودها زمان و مقابله با انحصار گریهای نیروهای خاکم و

مدتی قبل مقرر آنها در کتوت شیخ تعطیل شده است ولی دو نفر دیگر را دارند در مخالفت با هیئت با صلاح یا کم از ۸۰ تا ۹۰ نفر از ۱۳۰ نفر کل افراد این کمیته استفاده و تعدادی هم قرار است بدهند.

در سیاه آبادان تنبیه های جدیدی صورت گرفته است. ارجحیه تمام افراد بخش پذیرش سیاه و مسئول و معاون سیاه هم عوض شده اند. افراد تنبیه ای موجود در ارگانهای آبادان بخیریه کمیته اموال سرورده و سیاه افراد نیروهای مترقی را شنا سانی کرده و دستگیر میکنند و تحویل سیاه میدهند و بعد میروند خانه های آنها را سیاه دنبال مدرک "جرم" میگردند.

شب ۳ مرداد و صبح ۴ مرداد تمام مجبیه های آبادان در کبیری سردوشهر هم بدست رسا را می شد. گویا قرار بوده نیروهای ایرانی حمله کنند که با عدم عمل عراقیها مواجه شدند. تلفات سنگین بوده و مدفولی ۳۵۰ کشته و زخمی بجای گذاشته است. بگفته یک سرباز قرار بوده حمله شود ولی در اثر خیانت یک افسر و بیوستن او سیاه نیروهای عراقی و همچنین عدم پشتیبانی نوبخانه خودی ایسی حمله با شکست مواجه شده. هر چند این خبرها درست بنظر نمی آید.

این سرباز میگفت قرار بوده حمله بنام ریشی جمهوری حدید باشد. ۲۵ مرداد ۱۳۶۰ - جندی بیش در منطقه مدتی آبادان شخصی به نام منوچهر مدانی منتقل رسید. حوالی ساعت یک سه چهار رتبه در نقابدار وارد خانه اش میشوند و غیرا منوچهر مدانی یک فک سرد ۱۲ - ۱۵ ساله هم بوده که دست و پا پیش را میبندند. فداشی را بی هوش کرده و با یک گلوله در معزش او را میکشند. سربچه مدانی تنبیه ای بود و گفته میشود که او و چند نفر از افراد حمله شان در ابتدای جنگ که در آبادان بوده اند مقداری از تجهیزات آورده بودند و نقابداران آمده بودند از منوچهر بیس بگیرند که او داده و در نتیجه کشتنش بچه دست و پا بسته گفته بودند که نقابداران مدایشان ساخته و آنها از بچه های محلی اندو اکسیر در کشته ۴۸ سیاه ها را میکشند. حدود سه ماه پیش نیز چنین قتلی در مسرود یک تنبیه ای دیگر بنام مسرور مدانی که معلوم بود: تفاق اسناد.

ارجحه هفته پیش در مسیح گفته شده که نیروهای بومی مسیح و سیاه ارجحه ها بیرون کشیده میشوند و برای "محافظت شهر (مساح) رزه ها مدانی (فلا) به شهر برده میشوند. محافظان امروزه مخالفت شدید بوجود آمده و از چند مسرور تنگرمه یا اکثر محافظت کرده اند و سرباز جدیدی بنام مرخصی رفته اند و دیگرها زکشته اند و سیاه علیاً بنظر فردی و بیادست جمعی استفاده داده اند. از مدو دیگرگاه بیش ۵۰۰۰ (پنج هزار) نفر سیجی وارد آبادان کرده اند و قرار است که افراد بومی مسیح و سیاه را سرباز سرون آوردن ارجحه های جنگ برای بگذرد. بگما هه برای دیدن دوره "فدشورش" به احوال رسید.

به سرباز نشی (درجه دار و سرباز) را بحرم است که هنگام شنیدن خبر "بش از ۲۲ نفر" کف میزنند. بازداشت کرده اند. این روزها سین جرسی ها و مخالفین در ارتش و همچنین در مسیح بحث و جدال زیاد هست که گاهی به تهدید هم کشیده میشود.

گرمایشان

۶ مرداد دو موتور سواری به آیت اله اشرافی امضا شد. حمله برده و قصد سروروی را داشتند که هیچ آسیبی ندانند و سرباز مدالی گویا در این حمله دوزخ می شود و موتور سواری فرار میکنند.

هفته گذشته دوشنبه ۱۲ ساله بر سر برتر و اکده را احثی روانی دیدند. در محله ...

۳۰ تیر ما یک دکان را در میدان سوم اسفند آتش زدند که منطبق به یک حزب الهی که رئیس شورای محل هم بوده میباشد. چیزی از دکان باقی نمانده است. سراغ یک قالی فروش که در حوالی میدان شهداست و زمان آمدن بنی مدرسه متهدیرده ای برای او در خیابان نصب کرده بود آمده اند و گفته اند چون مالیات نفاذی ۱۰۰ هزار تومان ندهد های عقاب نفاذی مالیاتی با بد دولت بدهی. اسن در حالیکه در همین خیابان نادری به قالی فروشها و دکا ساری های جرسی ۵ میلیون تومان وام داده اند.

(ا) ارزیابی از انتخابات در مشهد ((
از ده با نریده روز قبل از انتخابات مجلس تمام حیابان هزارا حزب الهی ها و انحصار اسلامی ها و غیره بیوستر چنانچه بودند و مرتب تراکت های کوچک تنها در خانه های مردم سانداختند. استقبال مردم از این تبلیغات چنان بود که ۸۰٪ اربوستر هیا را از دیوارها کنده اند. ساعت بغداد را در دوم سوم چسباندن حزب آئین ها محسوس شد و پوسترها را آتقدرا لاسرند تا دست کسی به آنها نرسد.

سرای انتخابات ریاست جمهوری بحرث متخوان کف که ملی تشکیل شد. غیر از یکی دو مورد که دختران زرد و سیاه را سندی آدمی را شکل رای دهنده. سیار از این صدوق به پای آن صدوق مسرند و میباشند نشان تا مف معسوعی انجا دش بود. یک تنده از مردم عادی که از ترس شرکت کردیده "سی صدر" و "امام زمان" و "دست خرت" رای دادند. سعی تا هم محض های آسندار روز و رفته های رای نوشتند.

در یک حوزه در کمال نخب ۳۰ زن و ۳۰ مرد در صف دیده شدند. در حالیکه در حوزه های دیگر برنده برشمیرد. شما غت بعد همان افراد هوز در صف بودند. مثل صف حواریان. نازها بسیار محضای. سکه ای سانه با سدر اعات نشسته بودند. علت را حویا شدیم. یکی از بیان گفت اگر شما بولی هستید با شنوی صف؟ گفتیم بولی یعنی چه؟ مگر رای بولی میشود؟ جواب دادند که میشود. ما بخری ۵۰۰ تومان گرفته ایم!! بعد به صف دستخ گفت خوب مگر است من و شوهر و دو بچه ای جمعا ۲۰۰۰ تومان گرفته ایم. تا به فرار است ما هیانه هم بدهد! بعد بهمیدم این افراد را سخن ندانم ماری نژاد انهرانی از "قلعه با خندان" و حیابان سا حسان توسط وانت به آنجا آورده بود. و آوردن و سوردن آدمها با وانت از ساعت ۵ صبح تا ۱۰ شب همینطور ادامه داشت.

آبادان

به حدود دو هفته پیش (زمان نگارش خبر) مرداد است) یک هیئت برای سرسی ومع کمیته ۲۸ و به اصطلاح پاکسازی آن به آبادان آمده بود که گویا بوسله اسماعیل اسلامی مسئول کمیته ۲۸ مسئول این هیئت شنا سانی شده و معلوم شده که طرف رستاخیزی بوده است. کمیته ۲۸ ارگانی بوده که از ابتدای جنگ در جنگ شرکت داشته و حوز سنده یک انگیزه بر آرزو حاکم است و در سه مجبیه